

بررسی بمباران راهبردی مناطق غیرنظامی و سیاست بازدارندگی هسته‌ای در پرتو رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری و واقعیات نظامی

سید رضا رفیعی^{۱*}، حسن سواری^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۹

چکیده

بمباران راهبردی مراکز جمعیتی و تأسیسات صنعتی و ارتباطی غیرنظامی یکی از روش‌هایی است که در جنگ‌های قرن بیستم به طور گسترده توسط طرف‌های درگیر مورد استفاده قرار گرفته است. این راهبرد که هدف از آن از بین بردن توان اقتصادی و روحیه مردم کشور مقابل برای ادامه جنگ است در تعارض با اصول حقوق بشردوستانه برای تفکیک بین مبارزان و غیرمبارزان قرار دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۹۶ خود راجع به تهدید یا مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای از یک طرف بر اصل تفکیک بین مبارزان و غیرمبارزان تأکید کرده و از طرف دیگر سیاست بازدارندگی هسته‌ای را یک رویه بین‌المللی و دارای اثر حقوقی تلقی کرده است. با بررسی برخی از جزئیات فنی و لوازم سیاست بازدارندگی می‌توان به این نتیجه رسید که این سیاست ادامه مفاهیم قدیمی‌تر جنگ تمام عیار و بمباران‌های راهبردی است و در نتیجه پذیرش سیاست بازدارندگی در حقوق

بین‌الملل به معنای پذیرش تلویحی امکان نقض اصل تفکیک در برخی موارد است. از این رو راهبرد برخی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در ایجاد بازدارندگی به وسیله تهدید به حمله به شهرهای طرف مقابل می‌تواند بر همین اساس به لحاظ حقوقی توجیه شود.

واژگان کلیدی: بمباران راهبردی، سیاست بازدارندگی، رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری، اصل تفکیک.

۱. مقدمه

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین اصل حقوق بشردوستانه بین‌المللی اصل تفکیک بین مبارزان و غیرمبارزان است. این اصل علاوه بر اینکه در اسناد مختلف بین‌المللی مدون شده، در تحقیق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ راجع به حقوق بشردوستانه عرفی نیز به عنوان اولین قاعده از میان ۱۶۱ قاعده یافته شده توسط این کمیته شناخته شده است که این امر نشان از جایگاه آن به عنوان یکی از بنیادی‌ترین قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی دارد. با این وجود بر عکس بیانات رسمی دولت‌ها که در آن کم و بیش بر لزوم رعایت این اصل در مخاصمات مسلحانه تأکید می‌شود، کنکاش در رویه عملی آن‌ها نشان می‌دهد که اصل تفکیک با چالش‌های عمده‌ای روبرو است.^۱ به علاوه در مسائلی نظیر حملات تلافی‌جویانه علیه غیرنظامیان و اشخاص مورد حمایت کنوانسیون‌های ژنو، حتی در رویه رسمی برخی از دولت‌ها نیز اعمال و اظهارات متناقض با اصل تفکیک دیده می‌شود که این امر لااقل در برخی از موارد جایگاه عرفی اصل مزبور را مورد تردید قرار می‌دهد.

۱. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در پژوهش خود راجع به حقوق بشردوستانه عرفی اگرچه هم به مواضع شفاهی و هم به اعمال فیزیکی دولت‌ها در صحنه نبرد توجه کرده، فقط رویه رسمی (ونه اعمال واقعی غیر رسمی) آن‌ها را مبنای پژوهش خود قرار داده است:

(Henckaerts, 2009, xxxix).

یکی از عمده‌ترین موارد نقض اصل تفکیک حملاتی است که در جنگ‌های تمام عیار به وسیله هواپیماها، موشک‌ها و دیگر ابزارهای مشابه از هوا بر علیه جمعیت غیرنظامی صورت می‌گیرد و هدف از آن‌ها از بین بردن توان مردم و زیرساخت‌های غیرنظامی برای حمایت از تلاش‌های جنگی و نیز تضعیف روحیه غیرنظامیان و وادار کردن آنان به تسلیم است. این رویه که با اختراع هواپیما در نیمه اول قرن بیستم شروع شد در طی جنگ جهانی دوم از سوی همه طرفین اصلی درگیر به صورتی بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفت و نقطه اوج آن بمباران اتمی دو شهر هیروشیما و ناکازاکی در پایان این جنگ بود. پس از آن نیز هدف گرفتن مستقیم جمعیت غیرنظامی در قالب سیاست بازدارندگی که از سوی قدرتهای بزرگ به مدت چندین دهه دنبال شده است نشان از عدم توجه دارندگان سلاح‌های هسته‌ای به تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان دارد، امری که در رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به نحوی سؤال برانگیز کاملاً مورد اغماض قرار گرفته است.

این مقاله در چهار بخش تنظیم شده است که هر یک مقدمه‌ای برای بخش بعد از خود به شمار می‌روند. در بخش اول اصل تفکیک و استثنای آن اجمالاً مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم مفهوم بحث بمباران راهبردی به عنوان یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های حمله به افراد و اموال غیرنظامی مورد بحث قرار گرفته است. در بخش سوم که مفصل‌ترین بخش این مقاله را تشکیل می‌دهد از برخی از مفاهیم اصلی در سیاست بازدارندگی هسته‌ای گفتگو شده و با مراجعه به رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری تلاش گردیده است دلیل مباینیت این مفاهیم و نیز بخش‌هایی از رأی مشورتی با اصل تفکیک روشن شود. بخش چهارم از یافته‌های سه بخش پیش از خود استفاده کرده و به این نتیجه رسیده است که بنا بر یک دیدگاه می‌توان تهدید به حمله به شهرها و مراکز جمعیتی طرف مقابل با سلاح‌های متعارف

را ادامه سیاست بازدارندگی هسته‌ای و بخشی از رویه رایج بین‌المللی دانست. سرانجام تحت عنوان نتیجه‌گیری یافته‌های این پژوهش به اختصار بیان شده است.

۲. اصل تفکیک

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تحقیق خود راجع به حقوق بشردوستانه عرفی اصل تفکیک را به این صورت تعریف می‌کند: «طرفین مخاطمه باید همیشه بین غیرنظامیان و مبارزان قائل به تفکیک شوند. تنها می‌توان به مبارزان حمله کرد. حمله نباید علیه غیرنظامیان صورت گیرد» (Henckaerts and Doswald-Beck, p.3). به گفته کمیته این قاعده باید در کنار قاعده ممنوعیت حمله به اشخاص خارج از نبرد^۱ و قاعده حمایت از غیرنظامیان در برابر حملات (مگر در صورت شرکت مستقیم آن‌ها در مخاصمه) بررسی شود. حملات تلافی‌جویانه علیه غیرنظامیان نیز اصلی کاملاً مرتبط با اصل تفکیک است که در تحقیق مزبور در فصلی جداگانه به آن پرداخته شده است.

اصل تفکیک هم اکنون در مواد ۴۸، بند دوم ماده ۵۱ و بند دوم ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی تدوین شده که البته نسبت به این مواد حق شرط‌هایی نیز وارد شده است. بر اساس پروتکل اول الحاقی، منظور از حمله «اعمال خشونت‌آمیزی است که چه در مقام حمله و چه در مقام دفاع علیه دشمن صورت می‌گیرد» (Additional Protocol I, Article 49). ممنوعیت حمله به غیرنظامیان همچنین در پروتکل دوم، پروتکل دوم اصلاحی و پروتکل سوم کنوانسیون راجع به برخی از سلاح‌های متعارف و کنوانسیون اوتاوا راجع به ممنوعیت مین‌های زمینی ضدنفر مقرر گشته است.^۲

1. hors de combat

^۲ رجوع کنید به:

Protocol II to the Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons (CCW), Article 3(2); Amended Protocol II to the CCW, Article 3(7); Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Incendiary Weapons (Protocol III), 10 October 1980, Article 2(1); Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling,

علاوه بر این مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، «هدایت عمدی حملات علیه جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیرنظامی که در مخاصمات شرکت نمی‌کنند» در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جنایت جنگی به شمار می‌آید (Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Article 8(2)(b)(i)).

مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات، استثنای اصل تفکیک: چنانکه در ابتدای همین بخش اشاره شد حمله به غیرنظامیان تنها در صورتی مجاز است که آن‌ها مشارکت مستقیمی در نبرد داشته باشند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای تحقق مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات سه شرط را برشمرده است: اولاً این مشارکت باید بر عملیات‌ها یا ظرفیت نظامی طرف مخاصمه اثر منفی بگذارد تا به این ترتیب «آستانه صدمه» محقق شود؛ ثانیاً باید بین مشارکت و ایجاد صدمه رابطه سببی مستقیم باشد؛ ثالثاً عمل باید مشخصاً برای ایجاد مستقیم آستانه مورد نیاز برای تحقق صدمه (شرط اول) طراحی شده باشد (Melzer, 2009, p. 46). مطابق تفسیر کمیته مزبور تلاش‌های عمومی جنگی (مثل تولید و طراحی سلاح‌ها) و فعالیت‌هایی که در جهت کمک به جنگ صورت می‌گیرند (مانند تولید محصولات کشاورزی و صنعتی غیرنظامی) اگرچه برای صدمه زدن به طرف مقابل ضروری هستند و ممکن است شرط اول را برآورده کنند، رابطه سببی مستقیمی با ایراد صدمه ندارند و بنابراین شرط دوم را برآورده نمی‌سازند (Ibid, p. 51-58). از این رو حمله به افراد غیرنظامی در جهت تضعیف بنیه اقتصادی و تولیدی طرف مقابل جایگاهی در اسناد حقوق بشردوستانه و تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ندارد.

۳. بمباران راهبردی و نقض بنیادین اصل تفکیک

از یک نظر می‌توان بمبارانها را به دو دسته بمباران‌های تاکتیکی و بمباران‌های راهبردی تقسیم کرد. بمباران تاکتیکی^۱ بمبارانی است که در حمایت مستقیم از نیروهای زمینی صورت می‌گیرد (Bowyer, 2007, p.240). به عبارت دیگر در بمباران تاکتیکی به اهدافی نظیر جنگجویان، تأسیسات نظامی یا تجهیزات نظامی که دارای ارزش نظامی مستقیم هستند حمله می‌شود. بر عکس، هدف از بمباران راهبردی^۲ از بین بردن توانایی کشورها برای ادامه جنگ از طریق تضعیف روحیه غیرنظامیان و هدف قرار دادن زیرساخت‌هایی نظیر کارخانه‌ها، راه‌های آهن و پالایشگاه‌ها است که برای تولید و تهیه مواد جنگی ضروری هستند. بمباران راهبردی جلوه‌ای بارز از جنگ تمام عیار^۳ است، یعنی جنگ‌هایی مثل جنگ جهانی دوم، جنگ کره و جز آن‌ها که در آنها تمام منابع جامعه در خدمت اهداف جنگی بسیج می‌شوند و زیرساخت‌های غیرنظامی مورد هدف قرار می‌گیرند (Levine, 1992, p. 1; Encyclopedia Britannica, 8). نظریه بمباران راهبردی عمده‌تاً در دوره بین دو جنگ جهانی توسط متفکران نظامی در ایتالیا، انگلستان و آمریکا مطرح شد. پس از آن این نظریات در چند جنگ به خصوص جنگ داخلی اسپانیا و جنگ چین و ژاپن مورد استفاده قرار گرفت. با شروع جنگ جهانی دوم بمباران راهبردی از سوی همه طرف‌های اصلی درگیر برای از بین بردن توان اقتصادی و روحیه مردم کشور مقابل به شکلی بسیار گسترده به کار گرفته شد. در بمباران توکیو به وسیله بمب‌های آتشزا توسط هواپیماهای آمریکایی در شب نهم و دهم مارس ۱۹۴۵ صد هزار نفر کشته، یک میلیون نفر مجروح و یک میلیون نفر بی‌خانمان شدند (Rhodes, 1986, p.599). بمباران آلمان

۱. tactical bombing

۲. strategic bombing

۳. total war

حدود ششصد هزار نفر تلفات غیر نظامی به جای گذاشت که نیمی از آن‌ها ناشی از بمباران هامبورگ، کاسل، دارمشتات و درسدن با بمبهای آتشزا بود (Brauer and Van Tuyl, 2008, p.221). نقطه اوج استفاده از این راهبرد بمباران اتمی دو شهر هیروشیما و ناگازاکی بود که منجر به پذیرش تسلیم بی‌قید و شرط از جانب ژاپن گردید. به این ترتیب بمباران راهبردی در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم توانست کارایی نظریات ابراز شده در سال‌های بین دو جنگ جهانی را به اثبات برساند (Buckley, 2001, p.197). لفظ «بمباران جهت تضعیف روحیه»^۱ که برای اشاره به این بمباران‌ها به کار می‌رفت نیز نشان داد که گاه می‌توان قتل عام‌ها را در لفافه یک تعبیر زیباتر پنهان کرد.^۲

پس از جنگ جهانی دوم، تخریب گسترده اهداف غیر نظامی که در خلال جنگ رخ داده بود سبب شد تا قدرتهای پیروز در هنگام تهیه اساسنامه دادگاه نورنبرگ به این مسأله توجه کنند. بند ب ماده ۶ این اساسنامه «تخریب خودسرانه شهرها، شهرهای کوچک و روستاها یا تخریبی که توسط ضرورت نظامی توجیه نشود» را محکوم کرده و آن را تخطی از حقوق یا عرف‌های جنگ و در نتیجه جنایت جنگی برشمرده بود. اما بر خلاف انتظارات در محاکمه هرمان گورینگ^۳ فرمانده کل نیروی

۱. morale bombing

۲. قاضی ویرامانتری نیز در رأی مخالف خود در قضیه مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای استفاده از الفاظ زیبا یا حسن تعبیرها (euphemisms) را یکی از عوامل مؤثر در کنار زدن حقوق بین‌الملل و پنهان کردن تناقض بین سلاح‌های هسته‌ای و این حقوق می‌داند و معتقد است که «این عبارات با منحرف کردن توجهات به مفاهیمی ذهنی چون دفاع مشروع، حملات تلافی‌جویانه و خسارات متناسب، وحشت جنگ هسته‌ای را پنهان می‌کنند، مفاهیمی که در شرایط نابودی کامل اهمیت چندانی ندارند»:

Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996, Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, p. 451-452.

۳. Hermann Goering (1893-1926)

هوایی آلمان اشاره‌ای به تخریب خودسرانه شهرها نشد. یکی از دلایلی که به عدم تعقیب این جرائم منجر شد این بود که خود متفقین هم با بمباران‌های گسترده هوایی صدمات گسترده‌ای به غیرنظامیان وارد کرده بودند (Gardam, 2004, p.130). دادستان عالی آمریکا در دادگاه نورنبرگ برای توضیح چرایی بی‌میلی متفقین در طرح اتهامات راجع به بمباران هوایی استدلال کرد که: «تخریب شهرهای آلمان و ژاپن نه به خاطر تلافی‌جویی، بلکه در نتیجه یک سیاست عمدی بوده است و شاهدهی بر این مدعاست که بمباران هوایی شهرها و کارخانه‌ها به بخشی شناخته شده از جنگ‌های جدید مبدل گشته و توسط تمام کشورها انجام می‌شود» (Jochnick and Normand, 1994, p.92).

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که مفاهیم جنگ تمام عیار و بخش بسیار بزرگی از بمباران‌های راهبردی با آنچه که در حقوق بشردوستانه تفکیک بین مبارزان و غیر مبارزان نامیده می‌شود تعارضی بنیادین دارند. اگرچه از ۱۹۴۵ تا کنون بمباران راهبردی در سطحی به گستردگی جنگ جهانی دوم به کار گرفته نشده است، این نظریه همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد و علاوه بر استفاده از آن در جنگ‌هایی مانند کره، ویتنام و جنگ ایران و عراق، چنانکه در شماره‌های آتی خواهد آمد بخش بزرگی از نظریه بازدارندگی هسته‌ای در سال‌های جنگ سرد و پس از آن بر اساس همین مفهوم بنا شده است.

۴. بازدارندگی هسته‌ای، ادامه منطق بمباران راهبردی

پس از دستیابی آمریکا و شوروی به سلاح‌های هسته‌ای در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، به سرعت مسابقه‌ای هسته‌ای بین دو کشور شروع شد و هر دو می‌کوشیدند با تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و تنوع‌بخشی به سامانه‌های حمل و پرتاب آن‌ها طرف مقابل را از حمله به کشورهای خود بازدارند. این سیاست که هنوز هم ادامه دارد بازدارندگی هسته‌ای نامیده می‌شود و از آن جهت اهمیت دارد که دیوان

بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۹۶ خود اعلام کرده نمی‌تواند سیاست بازدارندگی که قسمت قابل توجهی از جامعه بین‌المللی سال‌ها از آن طرفداری کرده‌اند را نادیده بگیرد (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996, para. 96). دیوان همچنین در جای دیگری اعلام می‌کند که طرفداری قوی [تعدادی از کشورها] از این نظریه مانعی در راه شکل‌گیری عنصر معنوی قاعده عرفی خاص برای ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای است (Ibid, para. 73). با اینکه این اظهارات به سیاست بازدارندگی ارزشی حقوقی می‌دهند، دیوان از تشریح ماهیت و اجزای این سیاست که اهمیت فراوانی در تحلیل‌های حقوقی درباره آن دارند سر باز زده و اعلام کرده که قصدی برای سخن گفتن در مورد آن ندارد (Ibid, para. 67). دیوان در جای دیگری از همین رأی اظهار می‌دارد: «برخی از دولت‌ها از این بابت اظهار نگرانی کرده‌اند که ماهیت مطلق سؤال ممکن است موجب شود که دیوان اظهاراتی نظری و فرضی ارائه کند. دیوان عقیده دارد که در ارائه یک نظر مشورتی در قضیه فعلی لزوماً نیازی به نوشتن «سناریو» برای مطالعه انواع مختلف سلاح‌های هسته‌ای و ارزیابی اطلاعات بسیار پیچیده و بحث‌برانگیز تکنولوژیک، راهبردی و علمی نیست. دیوان صرفاً با اعمال قواعد حقوقی به همه جوانب موضوعاتی که مطرح می‌شوند رسیدگی می‌کند (Ibid, para. 15). همان‌طور که دیوان اعلام کرده سلاح‌های هسته‌ای و چگونگی کاربرد آن‌ها مبحثی پیچیده است، اما همین گستردگی و پیچیدگی است که نتایج حقوقی ساده و ناقصی که دیوان از این سیاست گرفته را با سؤالات جدی مواجه می‌سازد. ما در زیر تنها برخی از مفاهیم مطرح در این سیاست را که با پژوهش حاضر در ارتباط است مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به بررسی امکان جمع سیاست بازدارندگی و اصل تفکیک خواهیم پرداخت.

۴-۱. اهداف ضد نیرو و اهداف ضد ارزش

در سیاست بازدارندگی، اهداف سلاح‌های هسته‌ای به لحاظ تاریخی به دو دسته گسترده اهداف ضد ارزش و اهداف ضد نیرو تقسیم شده‌اند. اهداف ضد ارزش شامل صنعت، زیرساخت‌های غیرنظامی، جان شهروندان و دیگر داشته‌هایی می‌شود که جامعه آن‌ها را ارزشمند تلقی می‌کند. در آغاز عصر هسته‌ای که تعداد سلاح‌های هسته‌ای اندک بود شهرها هدف بمبافکن‌های راهبردی^۱ بودند. در سال‌های جنگ سرد هدف قرار دادن شهرهای طرف مقابل با سلاح‌های هسته‌ای به صراحت در طرح‌های قدرت‌های دارنده این سلاح پیش‌بینی شده بود. در سندی سری به نام پژوهش ملزومات سلاح‌های اتمی برای سال ۱۹۵۹ که در ژوئن ۱۹۵۶ توسط فرماندهی هوایی راهبردی^۲ تهیه شده و در سال ۲۰۱۵ در ایالات متحده آمریکا از طبقه‌بندی بیرون آمده است نقشه‌ای برای «انهدام نظام‌مند» اهداف شهری و صنعتی بلوک شوروی طراحی شده بود که صریحاً و به طور ویژه جمعیت حاضر در شهرهایی مثل پکن، مسکو، لنینگراد، برلین شرقی و ورشو را مورد هدف قرار می‌داد (Strategic Air Command, 1956).

شواهد موجود نشان می‌دهد که راهبرد حمله به اهداف ضد ارزش و به عبارت دیگر بمباران اتمی اهداف و اماکن جمعیتی و غیرنظامی به جنگ سرد محدود نمانده و در عصر حاضر نیز توسط کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای پیگیری می‌شود. برای مثال راهبرد بازدارندگی حداقلی^۳ که کشورهای انگلستان، فرانسه، چین، پاکستان و هند آن را اتخاذ کرده‌اند (عسگرخانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱) راهبردی است که در آن

۱. strategic bomber:

بمبافکن میان‌برد تا دوربرد که قادر به بمباران اهداف دوردست با میزان نسبتاً زیادی مهمات است.

۲. Strategic Air Command:

یکی از فرماندهی‌های ویژه وزارت دفاع ایالات متحده در زمان جنگ سرد بود که وظیفه هدایت و کنترل هواپیماهای بمبافکن راهبردی و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما را بر عهده داشت.

۳. minimal deterrence



هدف نابودی دشمن نیست، بلکه هدف حمله به اهداف پرازش دشمن و بالا بردن هزینه حمله برای وی و در نتیجه بازداشتن او از شروع به حمله است. این راهبرد که بر حمله به اهداف ضد ارزش متکی است چنانکه پیشتر گفته شد در مقایسه با حمله به اهداف ضد نیرو به سلاح‌های هسته‌ای بسیار کمتری نیاز دارد. برای مثال در یک جنگ هسته‌ای مأموریت اصلی سلاح‌های هسته‌ای چین انهدام اهدافی نظیر شهرها است، زیرا نیروهای هسته‌ای این کشور برای حملات ضد نیرو بسیار کوچک و غیرمناسب هستند (Kristensen et al., 2009, p.23).^۱ علاوه براین گفته می‌شود صرف نظر از نیت یا دکترین‌های واقعی کشوری مانند ایالات متحده (که دارای سلاح‌های پرشمار هسته‌ای برای حملات ضد نیرو است) دشوار است که این کشور با در اختیار داشتن سلاح‌های هسته‌ای خود را از چنین قابلیت محروم کند، زیرا انهدام شهرها ساده‌ترین کار برای سلاح‌های هسته‌ای است و برای انجام این مأموریت فقط کافی است که سامانه‌ای برای حمل آن‌ها وجود داشته باشد (Ibid, p.23). صریح‌ترین اظهار نظر در این باره در سال‌های اخیر را دونالد ترامپ در سخنرانی سال ۲۰۱۷ خود در مجمع عمومی سازمان ملل کرده است، آنجا که وی اظهار می‌دارد: «ایالات متحده توان و صبر زیادی دارد، ولی اگر مجبور به دفاع از خود و متحدانش شود ما چاره‌ای جز *انهدام کامل* کره شمالی نداریم» عبارت «انهدام کامل» را نمی‌توان به چیزی جز نابودی کل شهرها، ساختمان‌ها، زیربناها و تأسیسات نظامی و غیرنظامی تعبیر کرد. چنانکه می‌دانیم از لحاظ حقوق بین‌الملل اظهارات

۱. شمار سلاح‌های هسته‌ای کشورهای دارنده تا ۲۶ مه ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که به جز روسیه و آمریکا بقیه کشورهای عضو این باشگاه دارای سلاح‌های نسبتاً کمی هستند و بنابراین توانایی انجام حملات ضد نیرو را ندارند: روسیه: ۷۳۰۰ (۲۸۰۰ بازنشسته، ۴۴۹۰ در انبار، ۱۷۹۰ مستقر)، آمریکا: ۷۰۰۰ (۲۵۰۰ بازنشسته، ۴۵۰۰ در انبار، ۱۹۳۰ مستقر)، فرانسه: ۳۰۰، چین: ۲۶۰، انگلستان: ۲۱۵، پاکستان: ۱۳۰، هند: ۱۲۰، اسرائیل: ۸۰. مراجعه کنید به:

(Kristensen and Norris, 2017).

شفاهی دولت‌ها نیز مانند اظهارات کتبی آن‌ها واجد اثر حقوقی است (International Law Commission, 2006, p. 374).

دیوان بین‌المللی دادگستری در بررسی مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای هیچ اشاره‌ای به بمباران‌های هسته‌ای ضد ارزش و در نظر گرفتن خود شهرها و مراکز غیرنظامی به عنوان هدف اولیه نمی‌کند. به گفته دیوان دولت‌ها هرگز نباید غیرنظامیان را هدف حمله قرار دهند و در نتیجه هرگز نباید از سلاح‌هایی استفاده کنند که قادر به تفکیک بین اهداف غیرنظامی و نظامی نیست (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996, para. 78). دیوان سپس به اصل منع ایراد درد و رنج غیرضروری اشاره می‌کند و می‌گوید بر اساس این اصل استفاده از سلاح‌هایی که باعث چنین صدمه‌ای به آنان شود و درد و رنج آن‌ها را بیهوده افزایش دهد ممنوع است. به گفته دیوان در اجرای این اصل دوم دولت‌ها در انتخاب سلاح‌هایی که مورد استفاده قرار می‌دهند آزادی کامل ندارند (Ibid, para. 78). دیوان به شرط مارتنس نیز اشاره می‌کند و آن را ابزاری مؤثر در پاسخ به تحول سریع در فناوری نظامی می‌داند. بر اساس این شرط در مواردی که توسط پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ یا دیگر موافقتنامه‌های بین‌المللی پوشش داده نشده غیرنظامیان و مبارزان تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل که از عرف تثبیت شده، اصول انسانیت و اوامر وجدان عمومی نشأت می‌گیرند قرار دارند. سپس دیوان اشاره می‌کند که حقوق بشردوستانه برخی از انواع سلاح‌ها را به خاطر عدم تطابق با اصول بالا ممنوع اعلام کرده است (Ibid, para. 78). دیوان نظر دولت‌های طرفدار ممنوعیت کامل را نقل می‌کند که بر اساس آن توسل به سلاح‌های هسته‌ای هرگز نمی‌تواند با اصول و قواعد حقوق بشردوستانه قابل انطباق باشد و بنابراین ممنوع است. بر اساس این نظر سلاح‌های هسته‌ای در صورت استفاده در هیچ شرایطی قادر به تمایز بین جمعیت غیرنظامی و مبارزان یا بین اهداف نظامی و اشیاء غیرنظامی نیستند و اثرات آن‌ها که عمدتاً غیر قابل کنترل است را نمی‌توان در زمان یا مکان محدود به اهداف مشروع

نظامی کرد. به نظر این دولت‌ها سلاح‌های هسته‌ای به خاطر ماهیتشان مطابق حقوق بین‌الملل عرفی غیرقانونی هستند (Ibid, para. 92). چنانکه دیده می‌شود آنچه که در رأی خود دیوان و دولت‌هایی که دیوان نظرشان را در رأی ذکر کرده مورد توجه قرار گرفته است بررسی مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای با توجه به آثار ناشی از استفاده از آن‌ها است و به چگونگی استفاده از این سلاح‌ها توجهی نشده است. به بیان دیگر چنین به نظر می‌رسد که دیوان تحلیل‌های خود را بر این فرض استوار کرده که سلاح‌های هسته‌ای قرار است بر علیه اهداف مشروع نظامی مورد استفاده قرار گیرند، حال آنکه چنانکه پیشتر دیدیم اساساً هدف برخی از راهبردهای هسته‌ای حمله به اهداف و اماکن تحت حمایت حقوق بشردوستانه است. این یکی از مهم‌ترین نکاتی است که در رأی از آن چشم‌پوشی شده و دیوان تنها به ذکر الفاظی کلی مانند اینکه «دولت‌ها هرگز نباید غیرنظامیان را هدف حمله قرار دهند» بسنده کرده است. قاضی ویرامنتری در رأی مخالف خویش در بیان تعارض بین سیاست بازدارندگی و ممنوعیت حمله به غیرنظامیان اعلام می‌دارد: «تضعیف نیروهای نظامی دشمن تنها هدف مشروعی است که دولت‌ها باید در هنگام جنگ در صدد تحقق آن برآیند. دکترین بازدارندگی هدفی بسیار بیش از این در نظر دارد؛ هدف این دکترین تخریب نواحی بزرگ مسکونی و مراکز جمعیتی و حتی «انهدام متقابل دوجانبه» است. بر اساس این دکترین به خصوص در زمان جنگ سرد موشک‌ها به سوی بسیاری از شهرهای بزرگ قدرت‌های رقیب نشانه‌گیری شده و آماده پرتاب به سمت آن‌ها بودند. چنین سیاست‌هایی با اصولی که در سن پترزبورگ پذیرفته و بارها توسط جامعه جهانی تکرار شده‌اند بسیار فاصله دارند» (Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, 1996, p. 542).

۲-۴. سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و سلاح‌های هسته‌ای راهبردی

در یک تقسیم‌بندی سلاح‌های هسته‌ای در دو دسته سلاح‌های تاکتیکی و سلاح‌های راهبردی قرار می‌گیرند. تعریف دقیقی در مورد این دو گونه سلاح وجود ندارد. برخی سلاح‌های دارای برد کم را تاکتیکی و سلاح‌های دارای برد زیاد را راهبردی می‌دانند، برخی سلاح‌های هسته‌ای پوشش داده نشده توسط معاهدات کنترل سلاح‌های راهبردی را واجد خصوصیت تاکتیکی بر می‌شمردند و برخی معتقدند که سلاح هسته‌ای فی نفسه سلاحی راهبردی است و کاربرد وصف تاکتیکی در مورد آن صحیح نیست. با این وجود تمام این تعاریف با نقص مواجه است و ممکن است سلاحی که در یک کشور راهبردی محسوب می‌شود در کشور دیگر تاکتیکی به شمار آید (Kristensen, 2012, p. 9-10). به عنوان یک تعریف نه چندان دقیق ولی کاربردی می‌توان گفت که سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی سلاح‌های با قدرت و برد نسبتاً کم هستند که برای حمله به نیروهای دشمن در میدان نبرد به کار می‌روند، حال آنکه سلاح‌های هسته‌ای راهبردی از قدرت و برد بیشتری برخوردارند و هدف آن‌ها نیز ضربه زدن به اهداف بزرگ‌تر و معمولاً دورتر از میدان نبرد است.

یکی از دلایلی که می‌توان برای اثبات نیت دولت‌ها برای حمله مستقیم به شهرها و مراکز جمعیتی یکدیگر اقامه کرد قدرت برخی از سلاح‌های هسته‌ای راهبردی ساخته شده توسط آن‌ها است که قاعداً کارکرد دیگری به جز نابودی چنین اهدافی ندارند. برای مثال روس‌ها در سال ۱۹۶۱ بمبی به نام بمب تزار را آزمایش کردند که ۵۰ مگاتن قدرت داشت (Nuclear Weapon Archive, 2007). بمب B-41 آمریکا که بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ پانصد فروند از آن ساخته شد قوی‌ترین بمب گرماهسته‌ای^۱ آمریکا بود که قدرت آن به ۲۵ مگاتن می‌رسید (Ibid, 1997). اگرچه این سلاح و دیگر سلاح‌های هسته‌ای با قدرت زیاد اکنون از خدمت خارج شده‌اند نباید این امر را به

۱. بمب گرماهسته‌ای (thermonuclear bomb) یا بمب هیدروژنی نوعی از سلاح هسته‌ای است که در آن از انواعی خاصی از عنصر هیدروژن استفاده شده و به این خاطر قدرت انفجاری آن بسیار افزایش یافته است.



معنای صرف نظر کردن دولت‌ها از حمله به اهدافی که برای این بمب‌ها در نظر گرفته شده بود (یعنی شهرها) دانست. اختراع موشک‌هایی با کلاهک‌های دارای قابلیت هدفگیری مستقل چندگانه^۱ که در آن‌ها یک موشک قادر به حمل چندین بمب هسته‌ای است باعث می‌شود که در صورت بروز یک جنگ هسته‌ای جهانی در شرایطی شبیه شرایط جنگ سرد، شهرهای بزرگی نظیر مسکو و واشنگتن که به لحاظ راهبردی مهم تلقی می‌شوند نه یک بار، بلکه چندین بار توسط کلاهک‌های هدفگیری مستقل چندگانه که هر یک قدرتی کمتر از یک مگاتن دارند مورد هدف قرار بگیرند.^۲

در هنگام بررسی موضوع تهدید یا مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای در نزد دیوان بعضی از دولت‌ها اظهار کرده بودند که همانند دیگر روش‌ها و ابزارهای جنگی، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نیز باید در پرتو اصول قابل اعمال حقوق بین‌الملل راجع به استفاده از زور و پیشبرد مخاصمات مورد بررسی قرار گیرد و این حقیقت که حقوق بشردوستانه بر توسل به سلاح‌های هسته‌ای حاکم است لزوماً به این معنا نیست که چنین استفاده‌ای ممنوع باشد. مطابق نتیجه‌گیری این دولت‌ها در برخی موارد نظیر استفاده از سلاح‌های با قدرت کم [یعنی سلاح‌های تاکتیکی] در دریاهای آزاد یا بر علیه سربازان در نواحی با جمعیت اندک و پراکنده می‌توان یک حمله هسته‌ای را مد نظر داشت که تلفات غیرنظامی نسبتاً اندکی به بار آورد. دیوان در پاسخ به این نظر اظهار کرده که هیچ یک از دولت‌هایی که طرفدار استفاده از

۱ هدفگیری مستقل چندگانه یا وسیله بازآی مستقل چندگانه (multiple independently targetable reentry vehicle (MIRV) به موشکی اطلاق می‌شود که دارای چند کلاهک است و هر یک از آن‌ها می‌تواند به صورت مستقل به سمت یک هدف نشانه‌گیری شود. مزیت این سامانه دشوارتر شدن اقدامات دفاعی طرف مقابل به علت تعدد کلاهک‌ها و نیز حمله به چندین هدف دور از هم با تنها یک موشک است.

۲. برای مثال بررسی‌های انجام گرفته به سفارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا نشان داده بود که حمله به نقاط مختلف شهر لنینگراد شوروی با ده بمب ۴۰ کیلوتنی تلفاتی به اندازه انفجار یک بمب یک مگاتنی بر روی این شهر به جای می‌گذاشت، حال آنکه مجموع قدرت انفجاری این ده بمب کمتر از نصف یک بمب یک مگاتنی بود (Office of Technology Assessment of the Congress of United States, 1979, p. 39-45).

سلاح‌های هسته‌ای از جمله استفاده «پاک» از سلاح‌های هسته‌ای کوچکتر، کم قدرت و تاکتیکی در برخی شرایط هستند، بر فرض اینکه چنین استفاده‌ای امکان‌پذیر باشد نشان نداده‌اند که شرایط دقیق توجیه کننده چنین استفاده‌ای چیست و همچنین نشان نداده‌اند که چنین استفاده محدودی منجر به یک استفاده همه جانبه از سلاح‌های با قدرت زیاد نمی‌شود. با توجه به این امر دیوان اظهار کرده که برای تعیین اعتبار این نظر مبنای کافی در اختیار ندارد (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996, para. 43 and 94). چنانکه مشاهده می‌شود چه دولت‌های مدعی امکان سازگاری برخی از سلاح‌های هسته‌ای با حقوق بشردوستانه و چه دیوان بین‌المللی دادگستری در تحلیل‌های خود به سلاح‌های تاکتیکی اکتفا کرده و از سلاح‌های پرقدرت راهبردی که بسیاری از آن‌ها برای حمله به اهداف بزرگ نظیر شهرها طراحی شده‌اند به سادگی عبور کرده‌اند.

تفکیک میان سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و راهبردی و توجه به مأموریت‌های متفاوت آن‌ها در اعلامیه‌ها و آرای اختصاصی و مخالف برخی از قضات نیز بازتاب داشته است. این نشان دهنده آن است که قضات دیوان از این جزئیات فنی بی‌اطلاع نبوده‌اند و معهذا در رأی اشاره‌ای به آنها نکرده‌اند (Dissenting Opinion of Judge Schwebel, 1996, 320-322; Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, 1996, 381-382; Dissenting Opinion of Judge Shahabuddeen, 1996, 546-547).

۳-۴. حملات تلافی‌جویانه هسته‌ای

تلافی هسته‌ای^۱ که گاه به آن ضربه دوم^۲ نیز گفته می‌شود یکی از پایه‌های اصلی سیاست بازدارندگی را تشکیل می‌دهد. دولتی که سیاست بازدارندگی را در پیش گرفته باید قادر باشد در صورت حمله هسته‌ای گسترده و ابتدایی طرف مقابل یا

۱. nuclear retaliation

۲. second strike

ضربه اول^۱ متقابلاً با سلاح‌های هسته‌ای به دشمن حمله کند، در غیر این صورت طرف مقابل تشویق خواهد شد با یک حمله ابتدایی نیروهای هسته‌ای آن کشور را نابود کند و به این ترتیب بازدارندگی هسته‌ای از بین خواهد رفت. دولت‌های صاحب سلاح هسته‌ای برای تضمین توانایی ضربه دوم راهکارهای متعددی را اندیشیده‌اند. یکی از نکات مهمی که در هنگام بررسی حقوقی راهبردهای هسته‌ای مطرح می‌شود بحث حملات تلافی‌جویانه به جمعیت و اشیاء غیر نظامی است؛ زیرا حمله هسته‌ای تلافی‌جویانه همیشه بر علیه پایگاه‌های هسته‌ای دشمن انجام نمی‌شود و لاقلاً در برخی موارد حمله به شهرها، مراکز جمعیتی و به طور کلی اهداف ضد ارزش بخش مهمی از سیاست بازدارندگی را تشکیل می‌دهد.

در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی نه حملات تلافی‌جویانه تعریف شده و نه در مورد شرایط لازم برای مشروع بودن آن‌ها سخنی به میان آمده است. در حقوق بشردوستانه عرفی و رویه برخی از دادگاه‌های بین‌المللی این حملات اگر به عنوان آخرین راه چاره برای وادار کردن طرف مقابل به دست کشیدن از رفتار غیرقانونی خود انجام شوند با رعایت شرایطی از جمله تناسب مجاز دانسته شده‌اند،^۲ اما اسناد حقوقی بین‌المللی حملات تلافی‌جویانه‌ای که علیه غیر نظامیان صورت گیرد را ممنوع کرده‌اند. کنوانسیون‌های ژنو تلافی‌جویی خصمانه علیه افرادی که تحت اختیار یکی از طرفین درگیری قرار دارند از جمله مجروحین، بیماران و کشتی شکستگان، خدمه مذهبی و نظامی، مبارزان اسیر شده، غیرنظامیان در سرزمین اشغال شده و دیگر طبقات غیر نظامیان در اختیار طرف مقابل در یک مخاصمه را

۱. first strike

۲. https://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_rul_rule145; Judge Cassese in: Prosecutor vs. Kupreskic and others, IT-95-16-T, 14 January 2000: para. 535; Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996: para. 46.

ممنوع کرده‌اند.^۱ همچنین بند ۶ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی دربردارنده قاعده ممنوعیت تلافی‌جویی علیه غیرنظامیان است.^۲ این ممنوعیت در نسخه‌های اصلی و اصلاح شده پروتکل دوم کنوانسیون برخی از سلاح‌های متعارف در مورد مین‌های زمینی، تله‌های انفجاری و دیگری وسایل نیز دیده می‌شود.^۳ در نتیجه اکثریت گسترده‌ای از دولت‌ها خود را مقید دانسته‌اند که بر علیه غیرنظامیان حملات تلافی‌جویانه صورت ندهند. با وجود این، رویه ممنوعیت خاص حملات تلافی‌جویانه علیه همه غیرنظامیان علی‌رغم گستردگی هنوز به صورت متحد الشکل در نیامده است. برای مثال ایالات متحده آمریکا که طرف پروتکل اول الحاقی نیست در موقعیت‌های متعددی خاطرنشان ساخته است که چنین ممنوعیت کاملی را نمی‌پذیرد، حتی با وجود اینکه این کشور به نفع ماده ۵۱ پروتکل اول رأی داده و پروتکل دوم کنوانسیون راجع به برخی سلاح‌های متعارف را هم بدون اعمال حق شرط بر ممنوعیت مقرر در این کنوانسیون در حمله به غیرنظامیان به تصویب رسانده است (Henckaerts and Doswald-Beck, 2009, p.521). علاوه بر این باید توجه داشت که برخی از قدرت‌های هسته‌ای یعنی هند، پاکستان و آمریکا پروتکل اول الحاقی را امضا نکرده یا علی‌رغم امضا آن را تصویب نکرده‌اند.^۴ گفته

۱. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, 1949, Article 46; Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, Geneva, 1949, Article 47; Convention (III) relative to the Treatment of Prisoners of War, Geneva, 1949, Article 13, third paragraph; Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, Geneva, 1949, Article 33, third paragraph.

۲. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977, Article 51(6).

۳. Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-Traps and Other Devices, 10 October 1980, Article 3(2); Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-Traps and Other Devices as amended on 3 May 1996, Article 3(7).

۴. برای دیدن وضعیت امضا و تصویب پروتکل اول الحاقی رجوع کنید به:

می‌شود که استنکاف قدرت‌های بزرگ نظامی از تصویب پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو احتمالاً به دلیل ممنوعیت مطلق حمله تلافی‌جویانه علیه غیرنظامیان در این پروتکل است (ساعد، ۱۳۸۶، ص ۴۲).

رویه مهم دیگر سلسله حملات تلافی‌جویانه‌ای است که جمهوری اسلامی ایران و عراق - کشورهای غیر عضو پروتکل اول - علیه شهرهای هم ترتیب دادند. دو کشور در سال ۱۹۸۷ طی نامه‌هایی به دبیرکل شورای امنیت سازمان ملل متحد حملات خود به شهرهای طرف مقابل را اقدامات تلافی‌جویانه محدودی دانستند که برای پایان دادن به حمله طرف مقابل به شهرهای خودی صورت می‌گیرد (Henckaerts and Doswald-Beck, 2009, p.522).

به خاطر وجود رویه متعارض بالا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در اعلام می‌دارد که «به سختی بتوان گفت در حقوق بین‌الملل عرفی قاعده‌ای شکل گرفته که حملات تلافی‌جویانه علیه غیرنظامیان را در جریان مخاصمات مسلحانه ممنوع می‌کند. با این وجود این ادعا نیز دشوار است که حق توسل به حملات تلافی‌جویانه فقط با رویه بعضاً مبهم تعداد محدودی از کشورها به حیات خود ادامه می‌دهد. از این رو به نظر می‌رسد که لااقل گرایشی به نفع ممنوعیت حملات تلافی‌جویانه وجود دارد. دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در بررسی کیفرخواست صادره در قضیه مارتیچ در ۱۹۹۶ و در رأی این دیوان در قضیه کوپرسکیچ در سال ۲۰۰۰ دریافته که هم اکنون نیز چنین ممنوعیتی وجود دارد که عمدتاً مبتنی بر اوامر انسانیت و وجدان عمومی است» (Ibid, p.523).

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود راجع به مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای اعلام می‌کند که نیازی به بررسی موضوع حملات تلافی‌جویانه ندارد و فقط در پاراگرافی مختصر با اشاره به نظر برخی از دولت‌ها که استفاده از

سلاح هسته‌ای برای حملات تلافی‌جویانه را مجاز می‌دانستند می‌گوید که حملات تلافی‌جویانه در زمان صلح غیرقانونی هستند و در زمان جنگ نیز اصل تناسب (در کنار اصول دیگر) بر آن‌ها حاکم است (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996, para. 46). دیوان همچنین ضمن بحث حفاظت از محیط زیست اشاره مختصری به مواد پروتکل اول الحاقی در ممنوعیت صدمه به محیط زیست به وسیله حملات تلافی‌جویانه به عمل می‌آورد (Ibid, para. 31). جای بسی شگفتی است که دیوان یکی از پایه‌های اصلی تصمیم خود را رویه بازدارندگی قرار داده، اما خود را از بررسی حملات تلافی‌جویانه که از اجزای لاینفک سیاست بازدارندگی است بی‌نیاز حس کرده است. قاضی کروما نیز در رأی مخالف خود از این موضع دیوان اظهار تعجب کرده و با استناد به پروتکل اول الحاقی اظهار داشته است که این حملات در صورتی که با سلاح‌های هسته‌ای انجام شوند در هر شرایطی حقوق بشردوستانه و به طور کلی حقوق بین‌الملل را به طور فاحش نقض می‌کنند (Dissenting Opinion of Judge Koroma, p. 574). به نظر وی «به لحاظ حقوقی حق دفاع مشروع [که دیوان از آن سخن گفته] به دفع یک حمله مسلحانه محدود می‌شود و اجازه عمل انتقامی یا تنبیهی را نمی‌دهد... سلاح‌های هسته‌ای استثنایی بر حقوق بشردوستانه نیستند» (Dissenting Opinion of Judge Koroma, p. 562). بر عکس، قاضی هرکزه که به بند E رأی یعنی نتیجه‌گیری اصلی آن راجع به نبود قانونی برای تأیید یا ممنوعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای رأی مثبت داده در اعلامیه خود می‌گوید به نظر وی دیوان باید کاملاً از بررسی مسأله اقدامات تلافی‌جویانه در زمان مخاصمات مسلحانه خودداری می‌کرد، زیرا از دیدگاه وی این مسأله فراتر از محدوده درخواستی بوده که مجمع عمومی به آن ارائه کرده است و اشاره بسیار مختصر دیوان به این امر احتمالاً موجب تفسیرهای عجولانه و غیرموجه می‌شود (Declaration of Judge Herczegh, p. 275). بر خلاف نظر قاضی هرکزه و با توجه به آنچه که گفته شد به نظر می‌رسد که مسأله اقدامات تلافی‌جویانه هسته‌ای با سؤال



مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح هسته‌ای کاملاً مرتبط است و عدم توجه کافی دیوان به این امر عجیب به نظر می‌رسد.

۴-۴. سیاست بازدارندگی و اصل تفکیک

در هنگام بررسی مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نزد دیوان بین‌المللی دادگستری بسیاری از دولت‌ها به اصل تفکیک استناد کردند.^۱ دیوان نیز در این رأی اعلام کرد که اصل تفکیک یکی از «اصول اصلی» حقوق بشردوستانه و یکی از «اصول غیرقابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی» است (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996: para. 78-79). با این وجود دیوان در همین رأی ضمن تأکید بر این که کاربرد سلاح‌های هسته‌ای به ندرت با احترام به ترتیبات حقوق قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه آشتی‌پذیر به نظر می‌رسد، برای رویه بازدارندگی ارزشی حقوقی قائل شده و اظهار کرده که نمی‌تواند حق دفاع مشروع دولت و سیاست بازدارندگی را نادیده بگیرد (Ibid, para. 95-96). چنانکه در بالا دیدیم بخش مهمی از نظریه بازدارندگی بر پایه‌هایی نظیر بمباران راهبردی، اهداف ضد ارزش، سلاح‌های هسته‌ای راهبردی و حملات تلافی‌جویانه علیه اشخاص و اموال غیرنظامی استوار است که همگی آن‌ها در تعارض روشن و کامل با اصول حقوق بشردوستانه و به خصوص اصل تفکیک قرار دارند. به عبارت دیگر رأی دیوان دربردارنده یک تناقض تلویحی بین لوازم سیاست بازدارندگی و اصلی است که دیوان آن را غیرقابل تخطی خوانده است.

دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن اعلام اینکه حقوق بشردوستانه بر سلاح‌های هسته‌ای نیز اعمال می‌شود اعلام می‌دارد در هیچ یک از اظهاراتی که نزد دیوان صورت گرفته از آزادی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بدون توجه به محدودیت‌های

۱. See the statements of Ecuador, Egypt, India, Japan, Netherlands, New Zealand, Solomon Islands, Sweden, United Kingdom and United States.

حقوق بشردوستانه حمایت نشده و دولت‌های آمریکا و روسیه و انگلستان هم در اظهارات خود اعمال این حقوق بر سلاح‌های هسته‌ای را پذیرفته‌اند (Ibid, para. 86). با این وجود با توجه به اتخاذ سیاست بازدارندگی از سوی همین کشورها شاید بتوان گفت که این اظهارات بیش از آنکه حاکی از اعتقاد واقعی آن‌ها در مورد اعمال حقوق بشردوستانه بر مخاصمات هسته‌ای باشد ناشی از یک مصلحت‌اندیشی مقطعی برای زمان صلح و شرایط زمان بررسی موضوع در دیوان بوده است. پرداختن برخی از قضات در آرای اختصاصی خود به لوازم و جزئیات سیاست بازدارندگی گواه آن است که دیوان قاعدتاً نمی‌توانسته از این مسائل بی‌اطلاع باشد و عدم تحلیل این مسائل در رأی تصمیمی آگاهانه و احتمالاً متأثر از محاسبات سیاسی بوده است، چه در آن صورت دیوان مجبور بود از میان سیاست بازدارندگی هسته‌ای و قواعد حقوق بشردوستانه یکی را برگزیند.

از پایان جنگ سرد به این سو شمار سلاح‌های اتمی در جهان به نحو قابل توجهی کاهش یافته و از ۷۰۳۰۰ سلاح در ۱۹۸۶ به شمار تخمینی ۱۵۳۵۰ سلاح در اوایل سال ۲۰۱۶ رسیده است، اما باید توجه داشت که قسمت اعظم این کاهش در سال‌های دهه ۱۹۹۰ رخ داده و از آن زمان تا کنون سرعت کاهش به نحو قابل توجهی کمتر شده است (Kristensen and Norris, 2019). در واقع همه قدرت‌های اتمی به جای کنار گذاشتن سلاح‌های هسته‌ای در حال نوسازی این سلاح‌ها یا وسایل حمل و پرتاب آن‌ها هستند (Kristensen, Hans M. and Norris, 2014).^۱ این بدان معناست که عرفی برای ممنوعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در حال شکل‌گیری نیست و سیاست بازدارندگی هسته‌ای و عناصر مغایر با اصل تفکیک آن همچنان در آینده نیز

۱. همچنین رجوع کنید به سخنان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۴ فوریه ۲۰۱۷ درباره لزوم تقویت بنیه هسته‌ای این کشور و برنامه پنتاگون برای نوسازی سلاح‌های هسته‌ای و وسایل پرتاب آن‌ها: (Smith-Spark, 2017; Office of the [US] Secretary of Defense, 2018).



ادامه خواهد یافت. حتی در برخی موارد دولت‌های دارای این سلاح‌ها خود به صراحت عواقب و لوازم این سیاست را پذیرفته و در پی انکار آن هم برنیامده‌اند.^۱

۵. ایجاد بازدارندگی با تهدید به حمله به مراکز جمعیتی با سلاح‌های متعارف

آخرین مسأله‌ای که در این مقاله بدان می‌پردازیم این است که آیا در جهت ایجاد بازدارندگی می‌توان کشورهای مقابل را به حمله به شهرها و مراکز جمعیتی آن‌ها با سلاح‌های متعارف تهدید کرد؟ در پاسخ به این سؤال ممکن است در نگاه اول گفته شود که حمله به شهرها و افراد و اماکن غیرنظامی نقض آشکار اصل تفکیک بوده و به این خاطر مغایر قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. مع‌هذا با توجه به رأی ۱۹۹۶ دیوان از نگاه دیگری نیز می‌توان به این مسأله نگریست. اگر بازدارندگی با سلاح‌های هسته‌ای چنانکه در بالا گفته شد واجد اثر حقوقی و قسمتی از رویه بین‌المللی باشد چرا نتوانیم همین اثر را برای نوعی بازدارندگی که متضمن حمله به شهرها با سلاح‌های متعارف است قائل شویم؟ اگر حمله به مراکز جمعیتی با سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب سیاست بازدارندگی به عنوان یک رویه حقوقی پذیرفته شده باشد، منطقاً انجام همین کار با سلاح‌های غیر هسته‌ای که فاقد آثار مرگباری مانند پرتوهای رادیواکتیو هستند نیز باید یک رویه حقوقی تلقی شود. بر این اساس می‌توان تهدید بازدارنده برخی از کشورها برای حمله به شهرهای کشور مقابل به خصوص در شرایط حاد دفاع مشروع را ادامه همین رویه محسوب کرده و قابل پذیرش دانست. در تأیید این نظر رویه‌های رسمی بین‌المللی معدودی نیز وجود

۱. برای مثال بنگرید به سخنرانی ترزا می نخست وزیر انگلستان در جولای ۲۰۱۶ در مجلس عوام این کشور در رابطه با آمادگی وی برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و کشته شدن غیرنظامیان بر اثر آن: (McSmith, 2016).

دارد. برای مثال رهبر انقلاب در سخنان نوروزی خود در سال ۱۳۹۲ اعلام کردند که در صورتی که اشتباهی از مقامات اسرائیل سربزند جمهوری اسلامی ایران تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد (پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری، ۱۳۹۲). مشابه همین اظهارات در سخنان دیگر مقامات نظامی ایران نیز تکرار شده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴). در مثالی دیگر مقامات نظامی کره جنوبی نیز اظهار کرده‌اند که در صورت حمله کره شمالی به آن کشور، پایتخت کره شمالی را با سلاح‌های متعارف نابود خواهند کرد (Ryall, 2016).

۶. نتیجه‌گیری

پیشرفت در فناوری‌های حمل و نقل و ارتباطات باعث شده است که دولت‌ها در هنگام درگیری‌های بزرگ با طرف متخاصم تمام امکانات مالی و منابع انسانی کشور را از دورترین نقاط بسیج کرده و در خدمت اهداف جنگی به کار گیرند. این امر سبب می‌شود که دشمن افراد و اموال غیرنظامی را به عنوان بخشی از تلاش‌های جنگی طرف مقابل محسوب کرده و حمله به آن‌ها را در جهت پیروزی در جنگ لازم بشمارد. یکی از معمولترین روش‌ها برای این کار استفاده از هواپیماها و موشک‌ها برای بمباران نقاط مهم صنعتی، مراکز ارتباطی، تأسیسات حمل و نقل و شهرهای بزرگ دولت متخاصم است که از ابتدای قرن بیستم به این سو آغاز شده و پس از به اوج رسیدن در جنگ جهانی دوم اکنون به صورت سیاست بازدارندگی هسته‌ای به حیات خود ادامه می‌دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۱۹۹۶ خود راجع به مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای به رویه بازدارندگی توجه کرده و بدین ترتیب آن را از حوزه سیاست وارد عرصه حقوق بین‌الملل کرده است. با این وجود دیوان به الزامات و اجزای این سیاست که متضمن حمله مستقیم و عمدی به اشخاص و اموال غیرنظامی است توجهی نکرده که این امر احتمالاً ناشی از تأثیر ملاحظات سیاسی بر تحلیل‌های حقوقی آن است. بی‌شک سیاست بازدارندگی با اصل

تفکیک مندرج در کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه در تعارض است و دیوان در صورت شرح و بسط سیاست مزبور مجبور بود که یا این سیاست و به تبع آن سلاح‌های هسته‌ای را غیرقانونی اعلام کند و یا عدم اعمال اصل تفکیک در مورد این سلاح‌ها را بپذیرد. سرانجام اینکه با دادن ترتیب اثر حقوقی به سیاست بازدارندگی هسته‌ای که متضمن حمله به جمعیت و اموال غیرنظامی است بنابر یک تفسیر می‌توان تهدید غیرهسته‌ای برخی از دولت‌ها برای حمله به شهرهای دولت‌های دیگر در جهت بازدارندگی را نیز ادامه این سیاست به شمار آورده و آن را بخشی از رویه رایج بین‌المللی دانست.

۷. منابع

۷-۱. فارسی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری، «بیانات مهم رهبر معظم انقلاب درباره ارزیابی از وضع کنونی و پیشرفت‌های ملت ایران/ مذاکره با آمریکا/ الزامات حماسه اقتصادی/ انتخابات ریاست جمهوری»، بازدید شده در ۶ خرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.leader.ir/fa/content/10497>

۲. خبرگزاری تسنیم، «سرلشکر صفوی: ۱۰ هزار موشک حزب‌الله آماده شلیک به تل آویو و حیفا است»، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۴، بازدید شده در ۶ خرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/02/31/746429/%D8%B3%D8%B1%D9%84%D8%B4%DA%A9%D8%B1-%D8%B5%D9%81%D9%88%DB%8C-%A7%D8%B1-%D9%85%D9%88%D8%B4%DA%80%D9%87%D8%B2%D8%A9-%D8%AD%D8%B2%D8%A8-%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87-%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%AF%D9%87%D8%B4%D9%84%DB%D8%A2%D9%8C%DA%A9-%D8%A8%D9%87-%D8%AA%D9%84%D9%88%D9%88%D8%AD%DB%8C%D9%81%D8%A7-%88%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA>

۳. ساعد، نادر، حقوق بشردوستانه و سلاح‌های هسته‌ای، تهران، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۶.

۴. عسگرخانی، ابومحمد، «سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای»، سیاست دفاعی، شماره ۲۵، ۱۳۷۷.

۲-۷. انگلیسی

5. Bowyer, Richard, *Dictionary of Military Terms*, London, A&C Black Publishers Ltd, third edition, 2007.
6. Brauer, Jurgen and Van Tuyll, Hubert (2008), *Castles, Battles, and Bombs: How Economics Explains Military History*, London, The University of Chicago Press, 2008.
7. Buckley, John, *Air Power in the Age of Total War*, London, UCL Press, 2001.
8. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, 1949.
9. Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, Geneva, 1949.
10. Convention (III) relative to the Treatment of Prisoners of War, Article 13, Geneva, 1949.
11. Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, Geneva, 1949.
12. Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on their Destruction, (Ottawa Convention), 18 September 1997.
13. Declaration of Judge Herczegh (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996).
14. Dissenting Opinion of Judge Koroma (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996).
15. Dissenting Opinion of Judge Schwebel (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996).



16. Dissenting Opinion of Judge Shahabuddeen (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996).
17. Dissenting Opinion of Judge Weeramantry (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996).
18. Encyclopedia Britannica, “*Strategic Bombing*”, 9 August 2016, available at: <http://www.britannica.com/topic/strategic-bombing>, retrieved: 11 February 2018.
19. Gardam, Judith (2004), *Necessity, Proportionality and the Use of Force by States*, New York, Cambridge University Press, 2004.
20. Henckaerts, Jean-Marie and Doswald-Beck, Louise (edited by), *Customary International Humanitarian Law*, Vol. 1, Cambridge, Cambridge University Press, 2009.
21. International Law Commission, ‘Guiding Principles Applicable to Unilateral Declarations of States Capable of Creating Legal Obligations, with Commentaries Thereto’, 2006.
22. Jochnick, Chris af and Normand, Roger, “The Legitimation of Violence: A Critical History of the Laws of War”, *Harvard International Law Journal*, Vol. 35, No. 1, 1994, 49-95.
23. Kristensen, Hans M. and Norris, Robert S., “Slowing Nuclear Weapon Reductions and Endless Nuclear Weapon Modernizations: A Challenge to the NPT”, *Bulletin of the Atomic Scientists*, Vol. 70, No. 4, 2014, 94-107.
24. Kristensen, Hans M. and Norris, Robert S., “Status of World Nuclear Forces”, updated in May 2019, available at: <https://fas.org/issues/nuclear-weapons/status-world-nuclear-forces> retrieved: 24 August 2019.
25. Kristensen, Hans M. et al., “*From Counterforce to Minimal Deterrence: A New Nuclear Policy on the Path Toward Eliminating Nuclear Weapons*”, Occasional Paper No. 7, 2009, available at: <https://fas.org/pubs/docs/occasionalpaper7.pdf> retrieved: 11 February 2018.
26. Kristensen, Hans M., “*Non-Strategic Nuclear Weapons*”, Federation of American Scientists, Special Report No 3, May 2012, available at:

- [https://fas.org/docs/Non Strategic Nuclear Weapons.pdf](https://fas.org/docs/Non%20Strategic%20Nuclear%20Weapons.pdf) retrieved: 11 February 2018.
27. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996.
28. Levine, Alan J., *The Strategic Bombing of Germany, 1940–1945*, Westport, Praeger Publishers, 1992.
29. Malik, John, “*The Yields of the Hiroshima and Nagasaki Nuclear Explosions*”, Los Alamos National Laboratory, LA-8819, 1985.
30. McSmith, Andy (18 July 2016), “*Theresa May Says She Would Kill ‘100,000 Men, Women and Children’ with a Nuclear Bomb*”, available at: <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/theresa-may-trident-debate-nuclear-bomb-yes-live-latest-news-a7143386.html> retrieved: 11 February 2018.
31. Melzer, Nils, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law*, Geneva, International Committee of the Red Cross, 2009.
32. Nuclear Weapon Archive (1997), “*The B-41 (Mk-41) Bomb: High Yield Strategic Thermonuclear Bomb*”, available at: <http://nuclearweaponarchive.org/Usa/Weapons/B41.html> retrieved: 11 February 2018.
33. Nuclear Weapon Archive, “*Big Ivan, The Tsar Bomba (“King of Bombs”): The World’s Largest Nuclear Weapon*”, 3 September 2007, available at: <http://nuclearweaponarchive.org/Russia/TsarBomba.html> retrieved: 11 February 2018.
34. Office of Technology Assessment of the Congress of United States (1979), “*The Effects of Nuclear War*”, available at: ota.fas.org/reports/7906.pdf retrieved: 11 February 2018.
35. Office of the [US] Secretary of Defense, ‘Nuclear Posture Review’, 2018, available at: <https://media.defense.gov/2018/Feb/02/2001872877/-1/-1/1/EXECUTIVE-SUMMARY.PDF> retrieved: 11 February 2018.
36. Prosecutor vs. Kupreskic and others, IT-95-16-T, 14 January 2000.



37. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977.
38. Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Incendiary Weapons (Protocol III), 10 October 1980.
39. Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-Traps and Other Devices, 10 October 1980.
40. Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-Traps and Other Devices as amended on 3 May 1996.
41. Richard, Rhodes, *The Making of the Atomic Bomb*, New York: Simon & Schuster Paperbacks, 1986.
42. Rome Statute of the International Criminal Court, 1998.
43. Ryall, Julian, "South Korea Threatens to Reduce Pyongyang 'to Ashes'", 11 September 2016, available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/2016/09/11/seoul-threatens-to-reduce-pyongyang-to-ashes> retrieved: 11 February 2018.
44. Ryuichi Shimoda v. The State, District Court of Tokyo, 1963.
45. Sassoli, Marco, "The Implementation of International Humanitarian Law: Current and Inherent Challenges", *Yearbook of International Humanitarian Law*, Vol. 10, 2007.
46. Smith-Spark, Laura (), "Trump: US Must Be 'Top of the Pack' in Nuclear Weapons Capability", 24 February 2017, available at: <http://edition.cnn.com/2017/02/24/politics/trump-interview-nuclear-weapons> retrieved: 11 February 2018.
47. Strategic Air Command, "Atomic Weapons Requirements Study for 1959 (sm 129-56)", 1956, available at: <https://nsarchive2.gwu.edu/nukevault/ebb538-Cold-War-Nuclear-Target-List-Declassified-First-Ever/> retrieved: 11 February 2018.
48. United States Strategic Bombing Survey (USSBS), *Aircraft Division Industry Report*, Washington DC, USSBS, 2nd edition, 1947.